

تحلیل و تبیین ساخت‌های ایستا در زبان عربی بر پایه دستور نقش و ارجاع همراه با شواهدی از قرآن کریم

ایمانه صیاد^۱

مهین‌ناز میردهقان فراشاه^۲

ابوالفضل رضایی^۳

چکیده

دستور نقش و ارجاع، نظریه‌ای ساختی-نقشی است که در آن ساخت نحوی با ساخت معنایی ترکیب شده است؛ اگرچه بخش بنیادی بر عهده ساخت معنایی می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و توصیف انواع ساخت‌های ایستا در زبان عربی همراه با شواهدی از قرآن کریم، بر اساس دستور نقش و ارجاع نگاشته شده است. این جستار به دنبال پاسخ به دو پرسش است: ۱- ساخت‌های ایستا در زبان عربی و آیات قرآن کریم کدامند؟ ۲- چگونه دستور نقش و ارجاع می‌تواند ابزار مناسبی برای تشخیص ساخت‌های ایستا در زبان عربی و قرآن کریم فراهم نماید؟ روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های زبانی از گویشوران بومی زبان عربی و متون قرآن کریم گردآوری شده است. در تحقیق پیش‌رو ابتدا به تبیین انواع ساخت‌های ایستا در عربی با بهره‌گیری از شواهد قرآن کریم کوشش شده است، در ادامه با کمک ابزار موجود در این دستور، آزمون‌های طبقه‌بندی افعال ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷)، به تشخیص ساخت‌های ایستا پرداخته می‌شود. نتایج حاکی از آن است که در عربی ساخت‌های ایستا به ۹ دسته تقسیم می‌شوند: ساخت‌های اسنادی، ساخت‌های ملکی، افعال ناقصه، افعال حسی و حالتی، افعال رجا و آرزو، افعال تعجب و افعال مدح و ذم. علاوه بر آن، تحلیل داده‌ها نمایانگر آن است که در عربی از مجموع پنج آزمون در دستور نقش و ارجاع، چهار آزمون جهت تشخیص ساخت‌های ایستا از کارایی لازم برخوردار

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴ | DOI: 10.29252/PAQ.9.2.131

i_sayad@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

m_mirdehghan@sbu.ac.ir

۲- نویسنده مسئول : دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

a_rezayi@sbu.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

می‌باشند. به بیانی دیگر بجز آزمون ساخت استمراری، سایر آزمون‌های تشخیصی مشتمل بر کاربرد قیود شدت کنشی، کاربرد قیود سرعت، همراهی با قید «برای یک ساعت یا به مدت یک ساعت» و همراهی با قید زمان «در یک ساعت»، در زبان عربی کارآمد هستند.

کلیدواژه‌ها: دستور نقش و ارجاع، افعال ایستا، ساخت‌های ایستا در قرآن، آزمون‌های تشخیصی ساخت‌های ایستا در عربی.

مقدمه

جبرئیل امین کتاب آسمانی مسلمانان را از عرش ملکوتی الهی بر قلب نورانی پیامبر بزرگ اسلام فرود آورد. این مائده الهی، منبع نور، شفا، رحمت، هدایت و برکت برای زمینیان است (قاسم‌پور و حیدری، ۱۳۹۵: ۵۰). هیچ کتابی به اندازه کتب مقدس و آسمانی مورد شرح و تفسیر واقع نشده است که در این میان قرآن دارای جایگاهی بی‌بدیل است (شاکر، ۱۳۸۲: ۱۷۱). از ابتدای نزول وحی تا کنون توجه زیادی به قرآن در جهت کتابت، ترجمه و تفسیر آن شده است. افتخار خدمتگزاری به قرآن خوشنودی معنوی است که دل را صفا می‌بخشد و هدیه‌ای است از جانب خداوند منان که به بندگان خویش عطا می‌کند. شکر این موهبت، نعمتی است دو چندان که با توفیق خدمت به قرآن به دست می‌آید. قرآن به بیان خودش، به راستی به راهی فرا می‌خواند که محکم، استوار و عاری از هر گونه تشویش و اضطراب می‌باشد، «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». در کشف رازهای نهفته قرآن علمای اعلام، مفسران عالی مقام قرآن، شرح‌ها و تفسیرهای متعدد و فراوانی نگاشته‌اند. ولی در میان آنان عالمان شیعه تلاش‌های برجسته و ارزنده‌تری ارائه نموده‌اند که از هر جهت ماندگار و ستودنی است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ۵).

فعل یکی از اجزای مهم و عناصر اصلی در جمله به شمار می‌آید و به عنوان هسته گروه فعلی در جملات شرکت می‌کند. در حقیقت، فعل هسته مرکزی جمله در بسیاری از زبان‌ها از جمله زبان سامی است. یکی از دلایل بررسی افعال در دستور زبان‌ها، جنبه همگانی و جهانی بودن آن است؛ به این معنا که در همه زبان‌ها بدون استثنا فعل وجود دارد ولی وجود صفت یا عدد در همه زبان‌ها الزامی نیست.

این مقوله دستوری در زبان‌های مختلف دارای ویژگی‌های نحوی و معنایی خاصی است. در برخی نظریه‌های دستوری مانند دستور نقش و ارجاع، افعال را به طبقاتی تقسیم نموده‌اند. در این نظریه، افعال به پنج طبقه شامل ایستا^۱، کنشی^۲، پایا^۳، لحظه‌ای^۴ و کنشی پایا^۵ طبقه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش تلاش بر این است که در تحلیل‌های خود، از نظرات زبان‌شناسان حوزه نحو، به ویژه دستور نقش‌گرا بهره‌مند شویم. پس از آن با تجهیز به روش دستور نقش و ارجاع به بررسی ساخت‌های ایستا در سوره‌های قرآن کریم اهتمام کنیم. نگارندگان در این تحقیق در پی پاسخ به پرسش‌های زیر هستند:

۱- ساخت‌های ایستا در زبان عربی و آیات قرآن کریم کدامند؟ ۲- چگونه دستور نقش و ارجاع می‌تواند ابزار مناسبی برای تشخیص ساخت‌های ایستا در زبان عربی و قرآن کریم فراهم نماید؟ با توجه به مطالب مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی ساخت‌های ایستا در زبان عربی همراه با نمونه‌هایی از قرآن کریم، بر اساس دستور نقش و ارجاع است که ابزار مناسبی را جهت انتخاب نوع افعال و ساخت جملات در اختیار پژوهشگران قرار داده است. تلاش نگارندگان در متن پژوهش و در بخش تحلیل داده‌ها بر آن است تا در موارد موجود از شواهد قرآنی به منظور آشکارسازی ظرایف و دقایق این کلام الهی بهره برده شود. با وجود تحقیقات قرآنی از منظر دستور شناختی، از جمله طالبی‌انوری و همکاران (۱۳۹۷) و (۱۳۹۸)، این امر در قرآن کریم از منظر دستور نقش و ارجاع مورد بررسی قرار نگرفته است.

در پژوهش پیش رو، نگارندگان ابتدا به مرور پیشینه پژوهش می‌پردازند، پس از آن در بخش چارچوب نظری، دستور نقش و ارجاع و آزمون‌های تشخیصی افعال ایستا مطرح می‌شود و در ادامه به تحلیل داده‌های تحقیق پرداخته می‌شود و در پایان برای پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب کوشش شده است.

1. state
2. activity
3. accomplishment
4. achievement
5. active accomplishment

در ادامه این بخش به پیشینه تحقیقات انجام شده در حوزه دستور نقش و ارجاع پرداخته شده است که با وجود تحقیق‌های متعدد در این حوزه، به سبب محدودیت مقاله، به محدودی از این مطالعات اشاره خواهد شد. طبقه‌بندی افعال براساس وضع موجود نخستین بار توسط وندلر^۱ (۱۹۶۷) انجام شد. پس از آن دوتی^۲ (۱۹۷۹) افعال انگلیسی را بر پایه مقولات چهارگانه وندلر طبقه‌بندی کرده و برای هر طبقه فعلی آزمون‌هایی ارائه داد که پاسخ هرکدام از آنها به تشخیص طبقه فعلی کمک می‌کرد. آزمون‌های نحوی و معنایی دوتی برای طبقه‌بندی افعال در دستور نقش و ارجاع توسط ون ولین^۳ و لاپولا^۴ (۱۹۹۷) ارائه شد. در میان زبانشناسان ایرانی، رضایی از سال (۱۳۹۱) تحقیقات گسترده‌ای را در این حوزه انجام داده است که در ادامه به پاره‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در قالب دستور نقش و ارجاع اشاره شده است.

رضایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی نحوی و معنایی فعل‌های ایستا در زبان فارسی همت گماشته است. وی در این جستار به طبقه‌بندی افعال فارسی بر اساس نظام دستور نقش و ارجاع پرداخته و با استفاده از آزمون‌های نحوی و معنایی خاصی افعال ایستا را از سایر طبقات فعلی مجزا نموده و ویژگی‌های خاص این دسته از فعل‌های زبان فارسی را تشریح کرده است. نگارنده همچنین رفتار دستوری متمایز این دسته از افعال را با توجه به ویژگی‌های طبقه افعال ایستا توجیه نموده است. رضایی و بهرامی (۱۳۹۳) مقاله‌ای در مورد تبیین دستوری نمایه‌سازی مفعول در فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع نگاشته‌اند. ایشان پس از بررسی ماهیت دستوری عناصر نمایه مفعولی در زبان فارسی، به تحلیل ساخت دستوری بندهای متعدی دارای نمایه مفعولی پرداخته و کوشش نموده‌اند که ساخت نحوی این بندها را مطابق با شرایط خاص زبان فارسی و بدون تحمیل مقولات خارجی بر آن ارائه نمایند. شیخ سنگ تجن و مشهدی‌نژاد (۱۳۹۴) به بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان

1. Vendler

2. Dowty

3. Van Valin

4. LaPolla

فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع همت گماشته‌اند. ایشان براساس آزمون‌های اصلاح شده نحوی و معنایی دوتی برای طبقه‌بندی افعال در این دستور، به جمع‌آوری مجموعه‌ای از افعال کنشی زبان فارسی پرداخته‌اند. نگارندگان پی برده‌اند که آزمون‌های نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع در تعیین طبقه افعال کنشی با ویژگی‌های افعال کنشی زبان فارسی کاملاً مطابقت دارد.

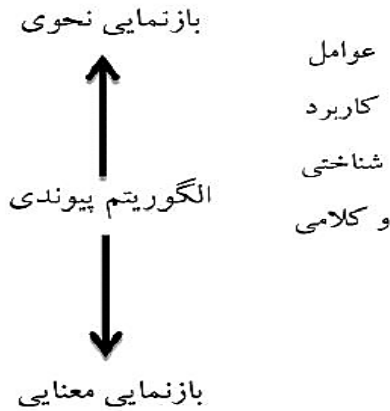
رضایی و ترابی (۱۳۹۶) تحقیقی در مورد وقوع انضمام در افعال بر حسب نوع عمل را به رشته تحریر درآورده‌اند تا به چگونگی ارتباط فرایند انضمام با طبقات نمودی فعل پی ببرند. محققین نتیجه گرفته‌اند که فرایند انضمام با نوع عمل فعل در ارتباط است و بسامد وقوع آن در طبقات نمودی مختلف، متفاوت است. رضایی و عظیم دخت (۱۳۹۶) پژوهشی را در زمینه تبیین محمول‌های مکانی در زبان فارسی و دسته‌بندی معنایی محمول‌های مذکور در چارچوب دستور نقش و ارجاع و بر اساس دو تحلیل ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و همچنین بتین^۱ (۲۰۰۴) به رشته تحریر درآورده‌اند. نتایج نشان داده‌اند که تناقض نظری مطرح شده از سوی بتین، اگرچه در مورد افعال کنشی فارسی صادق نیست، اما در خصوص محمول‌های مکانی ایستا و در افعال لحظه‌ای، پایا و کنشی-پایا صدق می‌کند. معزی پور (۱۳۹۷) در پژوهشی در پی پاسخ به این پرسش است که آیا «را» در زبان فارسی نشان‌دهنده مبتدای ثانوی است و با کمک گرفتن از بازنمایی صوری ساخت اطلاع‌کمبرکت^۲ در انگاره دستور نقش ارجاع، تنوع نقشی را در زبان فارسی را به تصویر کشیده است. وی دریافته است که اگرچه ارتباط «را» با مفهوم مبتدا اجتناب‌ناپذیر است اما نمی‌توان نقش ساخت اطلاعی آن را منحصر به مبتدای ثانویه دانست.

نویسندگان پس از بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده دریافته‌اند که تا کنون هیچ پژوهشی در زمینه افعال و ساخت‌های ایستا در چارچوب دستور نقش و ارجاع در پیکره قرآن انجام نشده است، از اینرو در این جستار به تحلیل این دسته از ساخت‌ها کوشش شده است. در ادامه و در بخش بعدی مقاله به چارچوب نظری دستور نقش و ارجاع، انواع طبقات فعلی و بطور خاص به ویژگی‌های افعال ایستا و همچنین آزمون‌های نحوی-معنایی تشخیصی افعال در این نظریه پرداخته خواهد شد.

۲. چارچوب نظری دستور نقش و ارجاع

اولین جرقه‌های دستور نقش و ارجاع در سال ۱۹۸۴ در اثر مشترک ون ولین و فولی^۱ زده شد. ون ولین نکات مهم نظریه مطرح شده توسط ون ولین و فولی را که به نام نحو کاربردی و دستور همگانی مطرح شده بود را مورد جرح و تعدیل هایی قرار داد و آن را تحت نام دستور نقش و ارجاع معرفی نمود. این دستور که دیدگاهی ساختی-نقشی دارد، در انتقاد به دستور زایشی مطرح شده است (ون ولین، ۱۹۹۳: ۱). وی در این نظریه نقشگرا به طور خاص همگانی‌ها و سطوح نحوی انتزاعی مورد بحث در نظریه زایشی را زیر سوال برد. در این نظریه مانند سایر نظریه‌های نقشگرا، محوریت نحوی که در نظریه‌های زایشی مبنا بود، به کناری گذاشته می‌شود، بخش نحوی و بخش معنایی با هم ترکیب شده و کفه ترازو به نفع معنا بالاتر می‌رود. برای تعیین جایگاه دستور نقش و ارجاع بر اساس ساخت‌ها و نقش آن‌ها، می‌توان این نظریه را روی پیوستاری از نظریه‌های صورتگرا و نقشگرا در نظر گرفت، بدین گونه که در یک سر پیوستار دستورهای صورتگرایی زایشی چامسکی و در انتهای دیگر نظریه نقشگرای پیدایشی افراطی هاپسن قرار گرفته باشد، جایگاه دستور نقش و ارجاع در میانه این پیوستار قرار دارد. به عبارتی ساده‌تر دستوریان صورتگرا زبان را در نحو خلاصه می‌کنند و آن را پایه و اساس نظرات خود قرار می‌دهند و این در حالی است که از آن سو طرفداران دستور افراطی نقشگرا نقش نحو را نادیده می‌انگارند و تمرکز خود را فقط به معنا و نقش‌های ارتباطی زبان معطوف می‌کنند. در این میان دیدگاه مورد نظر این پژوهش با در نظر گرفتن همزمان ساخت‌های صوری زبانی و نقش ساخت‌های زبانی نقشگرا به هر دو عامل نحو و معنا به طور همزمان توجه دارد و در تبیین‌های خود از تحلیل‌های معنایی و نحوی به طور همزمان بهره‌مند می‌گردد (ون ولین، ۱۹۹۳: xi-1).

از آنجایی که نظریه نقش و ارجاع، زبان را سیستمی اجتماعی و ارتباطی در نظر می‌گیرد. نحو در این دیدگاه، ماهیتی مستقل ندارد بلکه ساختارهای دستوری با توجه به کارکردهای معنایی، کاربردشناسی و ارتباطی آنها قابل درک هستند (ون ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۳). در ادامه انگاره دستور نقش و ارجاع در شکل ۱ آورده شده است:



شکل ۱: نظام دستور نقش و ارجاع

انگاره دستور نقش و ارجاع تنها یک سطح بازنمود نحوی^۱ برای هر جمله قائل شده است که به طور مستقیم به بازنمود معنایی^۲ آن مرتبط می‌شود و پیکان‌های دو سویه موجود در این انگاره، نشانگر این نکته هستند که این ارتباط می‌تواند بالعکس نیز باشد. ذکر این نکته ضروری است که روابط موجود در انگاره دستور نقش و ارجاع از سطوح بازنمود انتزاعی نحوی در دستور زایشی متفاوت است و هیچ سطح بازنمود میانی همچون دستورهای صورتگرا بین بازنمود نحوی و معنایی وجود ندارد (ون ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۲۱).

یک سوال اساسی که انگیزه توسعه دستور نقش و ارجاع شده، این بود که چگونه می‌توان میان نحو، معناشناسی و کاربردشناسی تعامل ایجاد کرد؟ در پاسخ به این سوال مطرح شده، ون ولین بر این باور است که تعامل میان این سه حوزه در دستور نقش و ارجاع بر اساس بازنمود معنایی جملات است و این وظیفه در جملات بر عهده افعال و یا سایر محمول‌ها قرار گرفته است (ون ولین، ۲۰۰۱: ۲۰۵). در دستور نقش و ارجاع بندها و جملات دارای ساخت لایه هستند به طوری که هسته هر بند محمول آن بند است که معمولاً از مقوله فعل می‌باشد (ون ولین، ۱۹۹۳: ۵). از این رو در ادامه به طور

1. Syntactic representation
2. Semantic representation

کلی به باز نمود واژگانی افعال و دسته‌بندی آنها در این دستور کوشش می‌شود و سپس در بخش ۲-۲ به منظور پاسخ به سوال اول پژوهش و تبیین افعال و ساخت‌های ایستا در زبان عربی، به صورت خاص به توضیح و تشریح این دسته از افعال در دستور نقش و ارجاع پرداخته خواهد شد. پس از آن در بخش ۲-۳ برای پاسخ دادن به پرسش دوم پژوهش و جهت تشخیص ساخت‌های ایستا، به آزمون‌های ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) اشاره می‌شود.

۱-۲. طبقات فعلی

در حقیقت بحث در خصوص بازنمود معنایی جملات و روابط معنایی میان فعل و موضوعاتش از اهمیت یکسانی برخوردار هستند. به طور ضمنی یا صریح، زیربنای هر نظام بازنمود واژگانی برای افعال و سایر محمول‌ها نظریه دسته‌بندی افعال است. دستور نقش و ارجاع نیز از طبقه‌بندی افعال بر اساس نظر وندلر (۱۹۶۷) استفاده کرده است و بر آن اساس افعال را به چهار دسته ایستا، کنشی، پایا و لحظه‌ای تقسیم نموده است و همچنین در این زمینه از طرحواره بازنمودی پیشنهادی دوتی (۱۹۷۹) نیز بهره جسته است (ون ولین، ۲۰۰۵: ۳۱). در ادامه افزون بر تعریف متقنی از هر چهار گروه افعال، به نمونه‌هایی از هر طبقه فعلی نیز اشاره شده است. البته ذکر این نکته ضروری است که دو دسته اصلی فعل‌ها را افعال ایستا و کنشی برشمرده‌اند و سایر گروه‌های فعلی برگرفته از این دو نوع اصلی هستند. دسته اول که فعل‌های مورد پژوهش این جستار نیز بشمار می‌آیند، افعال ایستا هستند: «باور داشتن، دانستن، دوست داشتن، بیمار بودن» نمونه‌هایی از افعال ایستا محسوب می‌شوند. دومین گروه اصلی افعال، کنشی‌ها هستند که ویژگی بارز این افعال، پویایی ذاتی آنهاست، ولی محدود به زمان نیستند و مشخصه موقتی بودن را نیز ندارند.

در بیان مثال‌های فعل‌های کنشی می‌توان از افعال «قدم زدن، شنا کردن، نوشتن و برف باریدن» نام برد. ولی دو دسته افعال پایا و لحظه‌ای از نظر زمانی محدود هستند. افعال لحظه‌ای در یک زمان به طور آنی رخ می‌دهند، اما افعال پایا دارای این مشخصه نیستند. افعال لحظه‌ای دارای نقطه پایان درونی هستند و افزون بر آن نشانگر تغییرات لحظه‌ای در مورد افعال ایستا و کنشی می‌باشند. افعال پایا بیانگر

تغییرات لحظه‌ای نیستند و تحقق آنها با گذشت زمان همراه است. به بیانی دیگر افعال پایا، تداومی هستند و نتیجه انجام گرفتن این افعال تغییر حالتی است که به یک نقطه پایانی منتهی می‌شود. افعال «یادگرفتن، خشک کردن، ذوب شدن و یخ زدن» مثال هایی از دسته پایا هستند و برای طبقه افعال لحظه‌ای نیز می‌توان به «ترکیدن، خورد شدن و منفجر شدن» اشاره نمود. وندلر این تقسیم‌بندی را بر اساس افعال انگلیسی تحلیل کرد، اما اکنون ثابت شده است که در سایر زبان‌ها نیز این تقسیم‌بندی معتبر است. بررسی‌ها در بسیاری از زبان‌ها مانند ایتالیایی، ایسلندی، ژاپنی، کره‌ای، بری‌بری نشان داده است که این دسته‌بندی افعال در سیستم فعلی این زبان‌ها نیز صادق است. این تمایزات میان افعال همگانی هستند و در نظام فعلی همه زبان‌های بشری وجود دارند (همان: ۳۴-۳۲).

در ادامه دو دسته دیگر افعال که در طبقه‌بندی وندلر به آنها اشاره نشده، معرفی می‌شود. ون ولین و لاپولا مبحث طبقه‌بندی افعال را همانگونه که پیشتر نیز بیان شد، با تقسیم‌بندی چهارگانه افعال آغاز کردند. ایشان افزون بر چهار دسته اصلی افعال ایستا، کنشی، پایا و لحظه‌ای، دو دسته دیگر افعال با نام‌های افعال کنشی پایا و افعال منقطع^۱ را به این دسته‌بندی‌ها اضافه کردند. برای توصیف شش گروه افعال مذکور از چهار ویژگی دو ارزشی (+/- ایستایی)، (+/- پویایی)، (+/- پایانی) و (+/- لحظه‌ای) استفاده شده است (ون ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۱۰۰). در ادامه با استفاده از جدولی طبقه‌بندی افعال به همراه مشخصه‌های آنها ارائه شده است (ون ولین، ۲۰۰۵: ۳۳).

جدول (۱): ویژگی‌های انواع طبقات فعلی (همان: ۳۳)

گروه افعال	ایستایی	پویایی	پایانی	لحظه‌ای
افعال ایستا	+	-	-	-
افعال کنشی	-	+	-	-
افعال پایا	-	-	+	-
افعال لحظه‌ای	-	-	+	+
افعال کنشی پایا	-	+	+	-
افعال منقطع	-	+/-	-	+

بر این اساس افعال منقطع رویدادهایی لحظه‌ای هستند که نتیجه و حالت پایانی ثابتی ندارند، مانند «کریس سرفه کرد» (همان : ۳۲). افعال کنشی پایا، به کاربرد کرانمند افعال کنشی دلالت دارند. به بیانی دیگر، افعالی کنشی هستند که نمود پایانی دارند. تفاوت فعل‌های کنشی و افعال کنشی پایا در مثال‌های زیر مشخص شده است (همان : ۳۳).

سربازان در پارک رژه رفتند.	فعل کنشی	سربازان به سمت پارک رژه رفتند.	فعل کنشی پایا
دانا ماهی خورد.	فعل کنشی	دانا این ماهی (معرفه) را خورد.	فعل کنشی پایا
او نقاشی کشید. (ساعت‌ها)	فعل کنشی	او چهره مری را نقاشی کرد.	فعل کنشی پایا

۲-۲. افعال ایستا

فعل‌های ایستا به افعالی اطلاق می‌شوند که نشانگر کنش خاصی نبوده، بلکه بیشتر بیان‌کننده عواطف، شرایط، ویژگی‌ها و احساسات درونی افراد می‌باشند. همانگونه که از مفاهیم این افعال مشخص است، افعال ایستا به طور ذاتی محدود به زمان نیستند و نمود پایانی ندارند. از آنجاییکه افعال مذکور دارای مراحل انجام کار نیستند، پس به صورت استمراری نیز بیان نمی‌شوند. رضایی (۱۳۹۱) به نقل از ون ولین اینگونه نوشته است که افعال ایستا بیانگر عمل و رویداد خاصی نیستند، از نظر زمانی محدودیت ندارند و همچنین این افعال ارزش منفی در ویژگی پویایی را دارا هستند. وی به افعال «بودن، داشتن یا دارا بودن» به عنوان فعل ایستا اشاره دارد و افزون بر ویژگی‌های حالات درونی، روانشناختی و ملکیت را نیز در خصوص افعال ایستا مطرح ساخته است. ویژگی بارز این افعال این است که ویژگی‌هایی را به شخص یا چیزی منتسب می‌کند و در واقع این افعال بیانگر رخداد خاصی نیستند (همان : ۳۳).

۲-۳. آزمون‌های نحوی-معنایی تشخیصی افعال در دستور نقش و ارجاع

از آنجاییکه هدف از انجام این پژوهش شناسایی و تحلیل نحوی و معنایی ساخت‌های ایستا در زبان عربی و قرآن کریم است، آزمون‌های نحوی و معنایی در دستور نقش و ارجاع، ملاک بررسی و تحلیل اینگونه ساخت‌ها بوده‌اند. پژوهشگران بر اساس پنج آزمون نحوی و معنایی موجود در دستور

نقش و ارجاع کوشش نموده‌اند تا ساخت‌های ایستا را از سایر جملات متمایز کنند. در دستور نقش و ارجاع طبقه‌بندی افعال بر اساس نمود واژگانی است و بر پایه ساختار معنایی افعال است. به عبارتی ساده‌تر، در نمود واژگانی، مفهوم نمود از معنی فعل ناشی می‌شود و وضعیت فعلی و موقعیت آن از لحاظ روند انجام گرفتن آن تعیین می‌شود. همانطور که پیشتر گفته شد وندلر افعال را بر اساس ویژگی‌های شان به چهار دسته ایستا، کنشی، پایا و لحظه‌ای معرفی نموده است. بر همین اساس بسیاری از پژوهشگران نیز از دسته‌بندی‌های وندلر برای طبقه‌بندی افعال استفاده کرده‌اند. در این راستا دوتی (۱۹۷۹) نیز افعال انگلیسی را بر اساس مقولات چهارگانه وندلر طبقه‌بندی کرد. وی برای نشان دادن طبقه افعال، آزمون‌هایی را عرضه نموده است که هر یک از آزمون‌های یاد شده، به محققین جهت تشخیص گروه‌های فعلی خاصی کمک می‌کنند. آزمون‌های نحوی و معنایی طراحی شده توسط ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) از جمله مشهورترین آزمون‌هایی هستند که در بیشتر زبان‌ها برای طبقه‌بندی افعال به کار می‌روند. از آنجا که موضوع مورد بحث در جستار پیش رو جملات و ساخت‌های ایستا هستند، نگارندگان سعی بر این دارند که از این آزمون‌ها برای تشخیص طبقه افعال ایستا به شرح زیر استفاده کنند. ون ولین (۲۰۰۵) آزمون‌های نحوی و معنایی افعال را به شرح زیر بیان نموده است:

۱. کاربرد ساخت استمراری افعال: از آنجاییکه افعال ایستا بصورت استمراری استفاده نمی‌شوند، این آزمون می‌تواند عامل تشخیص افعال ایستا و گذرا، از طبقه افعال کنشی و تداومی باشد.
۲. همراهی با قیود شدت: قیده‌های شدت کنشی مانند «به شدت و با جدیت» تنها با افعال کنشی به کار می‌روند، پس برای متمایز کردن افعال ایستا از کنشی قابل استفاده هستند.
۳. همراهی با قیود سرعت: قیده‌های سرعت مانند «به آرامی و به سرعت» با افعال کنشی کاربرد دارند، از آنجا که این قیود با افعال ایستا کاربرد ندارند با این آزمون نیز می‌توان افعال ایستا را از تداومی و کنشی تمیز داد.
۴. کاربرد عبارت قیدی «برای یک ساعت ۱»: این قید با افعال ایستا استفاده می‌شود، البته ذکر این نکته ضروری است که عبارات ایستایی که بیان‌کننده ویژگی‌های ذاتی هستند، با این عبارت قیدی کاربرد ندارند، مانند نمی‌گوییم * او برای یک ساعت بلندقد بود.

۵. استفاده از قید زمان «به مدت یک ساعت»^۱: این عبارت قیدی زمان «به مدت یک ساعت» با افعال ایستا به کار نمی‌رود، مثلاً نمی‌گوییم * من در یک ساعت این موضوع را می‌دانستم. ون ولین در قالب جدولی کاربرد انواع آزمون‌ها را در خصوص شش طبقه افعال نمایش داده است (همان: ۳۵).

جدول (۲): آزمون‌های نحوی-معنایی انواع طبقات فعلی (همان: ۳۵)

معیارها	ایستا	لحظه‌ای	منقطع	پایا	کنشی	کنشی-پایا
کاربرد استمراری افعال	خیر*	خیر*	خیر*	بله	بله	بله
همراهی با قیود شدت مانند «به شدت، با جدیت»	خیر	خیر	برخی موارد*	نه	بله	بله
همراهی با قیود سرعت مانند «به آهستگی و به آرامی»	خیر	خیر*	خیر*	بله	بله	بله
همراهی با قید «برای یک ساعت یا بمدت یک ساعت»	بله*	خیر*	بله*	غیر مرتبط*	بله	غیر مرتبط
همراهی با عبارت قیدی «در یک ساعت»	خیر	خیر*	خیر*	بله	خیر	بله

در جدول ۲ از پنج آزمون تحت عنوان معیارهای نحوی و معنایی جهت تشخیص طبقه افعال از یکدیگر استفاده شده است، در برخی از خانه‌های جدول علامت * مشاهده می‌شود که بیانگر زبان ویژه بودن آن معیار در گروه خاصی از افعال می‌باشد. برای نمونه می‌توان به کاربرد استمراری افعال اشاره داشت که معمولاً افعال ایستا به صورت استمراری بکار نمی‌روند، این در حالی است که در برخی زبان‌ها کاربرد استمراری افعال ایستا دیده می‌شود. از آنجاییکه هدف از انجام این پژوهش

1. In an hour

شناسایی و تحلیل نحوی-معنایی جملات و ساخت‌های ایستا در زبان عربی، با استفاده از شواهد قرآن کریم است، آزمون‌های نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع ملاک بررسی و تحلیل افعال و ساخت‌های مود نظر بوده است. پژوهشگران بر اساس پنج آزمون نحوی و معنایی موجود در دستور نقش و ارجاع جملات ایستا را از سایر جملات متمایز نموده‌اند. نگارندگان در بخش بعد، بر اساس پنج آزمون نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع، افعال و جملات ایستا را شناسایی کرده و از آنها جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره می‌برند.

۳. تحلیل ساخت‌های ایستا در زبان عربی مبتنی بر دستور نقش و ارجاع

افعال ایستا در دستور نقش و ارجاع به افعالی نظیر «بودن، داشتن، آرزو داشتن، امیدوار بودن، عاشق بودن، متغیر بودن، باور داشتن، دانستن و خواستن و» اشاره دارد. ون ولین و لاپولا به نقل از وندلر به طبقه‌بندی چهارگانه افعال ایستا، کنشی، پایا و لحظه‌ای اشاره نمودند و در ادامه با بیان برخی از ویژگی‌های افعال ایستا مبنی بر عدم پویایی، مقید نبودن به زمان و بیان موقعیت‌ها بوسیله این دسته از افعال، به آوردن مثال‌هایی از افعال ایستا پرداخته است (ون ولین و لاپولا، ۱۹۹۷: ۹۲-۹۱).

افزون بر افعال be dead, be tall, love, know, believe, have, be sick افعال to be نیز جز

افعال ایستا برشمرده شده‌اند مانند جمله The boy is afraid (ون ولین، ۲۰۰۵: ۳۴). از آنجاییکه در دستور نقش و ارجاع به بررسی دقیق افعال کوشش شده است، در تحلیل داده‌های مقاله پیش‌رو از این چارچوب نظری بهره گرفته شده است. در این جستار به تحلیل جملات ایستا ابتدا در زبان عربی بطور عام و پس از آن به صورت ویژه به شواهد اینگونه ساخت‌ها در پیکره قرآن کریم پرداخته شده است. شایان ذکر است که در بخش ۱-۳ جهت پاسخگویی به پرسش اول پژوهش، به تشریح انواع ساخت‌های ایستا در زبان عربی بر اساس دستور نقش و ارجاع کوشش خواهد شد و در ادامه در بخش ۲-۳ نمونه‌های قرآنی ساخت‌های ایستا آورده می‌شود و در نهایت در بخش ۳-۳ برای پاسخ به دومین پرسش پژوهش به تبیین عملکرد آزمون‌های نحوی-معنایی بعنوان ابزار موجود در این نظریه، جهت تشخیص ساخت‌های ایستا در زبان عربی و قرآن همت گماشته خواهد شد.

۳-۱. تبیین انواع ساخت‌های ایستا در زبان عربی بر اساس دستور نقش و ارجاع

بر اساس شواهد ذکر شده در بخش پیشین، در ادامه به انواع افعال ایستا در زبان عربی پرداخته می‌شود. در ابتدای این بحث ذکر این نکته ضروری است که دلیل کاربرد عبارت «ساخت‌های ایستا» بجای افعال ایستا در زبان عربی و بطور خاص در این مقاله، ویژگی‌های خاص جملات و ساخت‌های اسنادی از یک سو و همچنین ساختار جملات دال بر مالکیت و صیغگان فعل «داشتن و دارا بودن» از سوی دیگر است. در زبان عربی، مشخصه مشترک میان ساخت‌های اسنادی و ساختار جملات حاوی مفهوم «داشتن»، جهت بیان ملکیت این است که این دو ساختار، فاقد فعل آشکار می‌باشند. از آنجاییکه هر دو ساخت در ذیل افعال ایستا بشمار می‌آیند و این دو ساخت یادشده، فاقد افعال آشکار در زبان عربی هستند. نگارندگان این مقاله از عبارت «ساخت‌های ایستا» بجای «افعال ایستا» در این مقاله بهره جسته‌اند.

۳-۱-۱- ساخت‌های اسنادی

همانگونه که در بخش‌های پیشین، به انواع افعال ایستا بر اساس دستور نقش و ارجاع، با آوردن مثال‌هایی از زبان فارسی و انگلیسی اشاره شد، صیغگان فعل ربطی «استن» نیز در ذیل افعال ایستا قرار می‌گیرند. در زبان عربی مثال‌هایی مانند «هذا الرَّجُلُ طَبِيبٌ» این مرد پزشک است» و یا «هذه المرأة جميلة» این زن زیباست»، مشاهده می‌شود که اینگونه جملات در عربی فاقد فعل اسنادی آشکار مانند زبان‌های فارسی و انگلیسی می‌باشند.

۳-۱-۲- ساخت‌های ملکی

در زبان عربی افزون بر ساخت‌های اسنادی، صیغگان فعل «داشتن» که جهت بیان مالکیت از آنها بهره گرفته می‌شود نیز، در زمره گروه ساخت‌های ایستا بشمار می‌آیند. ساخت‌های ملکی با ساخت‌هایی ویژه در زبان عربی بیان می‌شوند که به صورت نمونه می‌توان از ساخت‌های «لی و عندة» نام برد، برای مثال عبارت «لی کتاب» در مفهوم من کتابی دارم و یا بشکل «هذا الكتابُ لی» بمعنی این کتاب مال من است، استفاده می‌شوند. در زبان عربی این ساخت‌ها به گونه دیگری نیز بیان می‌شوند، مانند «عندة قلم» بمعنی نزد او مدادی است، که در واقع نشانگر همان جمله ملکی «او مداد دارد»، می‌باشد. همانگونه که ملاحظه شد، با توجه به ساختار جملات حاوی مفهوم فعل «داشتن» این جملات نیز همچون ساخت‌های اسنادی، فاقد فعل آشکار می‌باشند.

۳-۱-۳- افعال قلوب

دسته دیگری از ساخت‌های ایستا، در زمره افعال قلوب در زبان عربی قرار می‌گیرند از اینرو که افعالی درونی و برخاسته از نهاد و تفکر انسان هستند. بخشی از افعال متعدی به دو مفعول، افعال قلوب هستند. افعال قلوب، همان‌گونه که از اسمشان مشخص است، افعالی قلبی و باطنی هستند؛ یعنی، با اعضا و جوارح سر و کار ندارند، بلکه از باطن، فکر، اندیشه و قلب انسان صادر می‌شوند. در واقع این افعال، افعال جوانح هستند، نه افعال جوارح. این افعال خود به انواع افعال یقین و افعال رجحان طبقه‌بندی می‌شوند. افعال یقین، افعالی هستند که بر علم قطعی، یقینی و جزمی دلالت می‌کنند و معنای یقین می‌دهند. مهم‌ترین این افعال شامل: «عِلِمَ»؛ دانست، «رَأَى»؛ در مفهوم دانست، «أَلْفَى»؛ دریافت، «دَرَى»؛ فهمید، «وَجَدَ»؛ دریافت، و «تَعَلَّمَ»؛ دریاب، بدان (فقط به صیغه امر)؛ برای نمونه در جمله «عِلِمْتُ الْجَوْ بَارِدًا»؛ (به یقین) دانستم که هوا سرد است، «الْجَوْ بَارِدًا» در اصل جمله ای اسمیه (الْجَوْ بَارِدٌ) بوده است که فعل «عِلِمْتُ» بر آن داخل شده و مبتدا و خبر جمله اسمیه را به مفعول اول و دوم تبدیل کرده است. عبارت «وَجَدْتُ الْعِلْمَ نَافِعًا»؛ علم را سودمند دریافتم، نیز دقیقاً مانند جمله پیشین است. ترکیب این جمله به این شکل است: «وَجَدْتُ» فعل و فاعل، «العلم» مفعول اول و «نافعاً» مفعول دوم. همچنین عبارت «رَأَيْتُ عَلِيًّا عَالِمًا»؛ علی را عالم دانستم یا یقین کردم که علی عالم است، نیز همانند دو جمله پیشین است.

افعال رجحان، افعالی هستند که بر گمان، پندار، خیال یا ترجیح یکی از احتمالات بر احتمالات دیگر دلالت می‌کنند و بر علم قطعی دلالت ندارند؛ به دیگر سخن هرگاه علم قطعی وجود نداشته باشد، ولی یکی از احتمالات بر احتمالات دیگر ترجیح داشته باشد، از این افعال استفاده می‌شود. مهم‌ترین افعال رجحان عبارت‌اند از: «ظَنَّ»؛ گمان کرد، «خَالَ»؛ خیال کرد، «زَعَمَ»؛ خیال باطل کرد یا پنداشت، «حَجَّأ»؛ فکر کرد، «حَسِبَ»؛ پنداشت و «هَبَّ» (به صیغه امر)؛ فرض کن مانند «هَبَّ الْأَيَّامَ مَسَالِمَةً» بمعنی روزگار را مسالمت‌آمیز فرض کن. هرگاه فعل «جَعَلَ» به معنای اعتقاد ظنی و گمانی باشد، در ذیل افعال رجحان به معنای «پنداشتن و فکر کردن» قرار می‌گیرد، برای نمونه در آیه شریفه

(زخرف، ۱۹) «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنِائًا»: فکر کردند که فرشتگان که بندگان خداوند رحمان هستند، دخترند.

شایان ذکر است همان گونه که افعال یقین به شرط داشتن معنای یقین (أَيَقِنَ) در شمار افعال یقین قرار می‌گیرند، افعال رجحان نیز به شرط داشتن معنای گمان (ظَنَّ / حَسِبَ) جزء افعال رجحان قلمداد می‌شوند. بنابراین، اگر هر کدام از این افعال در معنایی دیگر به کار رود، از افعال یقین یا رجحان به شمار نمی‌آید. برای فهم این نکته به نمونه‌های زیر توجه کنید: ۱. کاربرد فعل «رَأَى» در معنای «أَيَقِنَ»؛ یقین کرد و یا علم قطعی پیدا کرد، در شمار افعال قلوب یقینی قرار می‌گیرد، اما اگر به معنای دیدن با چشم سر باشد و به اصطلاح رؤیت بصری باشد، نه رؤیت قلبی، دیگر دو مفعولی نیست، بلکه یک مفعولی است؛ مانند «رَأَيْتُ عَلِيًّا فِي الشَّارِعِ» که فعل «رَأَى» در این عبارت یک مفعول بیش‌تر ندارد و در زمره افعال حسی بشمار می‌آید، اما «رَأَى» در جمله «رَأَيْتُ عَلِيًّا عَالِمًا»؛ علی را عالم دانستم، فعل قلبی است.

همچنین می‌توان به فعل «وَجَدَ» نیز اشاره کرد. این فعل به شرطی که به معنای «أَيَقِنَ» باشد از افعال قلوب است، اما اگر به معنای پیدا کردن و یافتن مادی باشد، دیگر از افعال دو مفعولی نیست؛ برای نمونه در عبارت «ضَيِّعْتُ كِتَابِي، ثُمَّ وَجَدْتُهُ»؛ کتابم را گم کردم، سپس پیدا کردم، فعل «وَجَدَ» یک مفعولی است و از افعال قلوب نیست. اما اگر گفته شود: «وَجَدْتُ الْعِلْمَ نَافِعًا»؛ علم را سودمند یافتم، فعل «وَجَدَ» از افعال یقین و دو مفعولی است. این یافتن، یافتن حسی نیست، بلکه یافتن قلبی و به معنای دانستن و یقین کردن است. افزون بر موارد یاد شده، فعل «ظَنَّ» اگر به معنای اتهام زدن به کار رود از افعال رجحان نیست؛ مانند عبارت «ظَنَنْتُ زَيْدًا»؛ زید را متهم دانستم، که در این جمله «ظَنَّ» یک مفعولی است. اما اگر «ظَنَّ» به معنای پنداشتن باشد دو مفعولی خواهد بود؛ مانند: «ظَنَنْتُ زَيْدًا مَرِيضًا»؛ پنداشتم که زید مریض است (لاجوردی، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸).

۴-۱-۳- افعال ناقصه

افعال ناقصه در مقابل افعال تامه بکار می‌روند و با قرار گرفتن در ابتدای جملات اسمیه، خبر را منصوب کرده ولی چون از نظر دستوری تامه نیستند، در تقسیمات درونی افعال تامه نیز شرکت

نمی‌کنند و در زمره افعال لازم و یا متعدی نیز بشمار نمی‌آیند. مطلب مهم دیگر آنکه از یک سو بیشتر افعال در عربی، حکایت از انجام کار یا پذیرفتن حالت یا حدوث فعل و وقوع حادثه‌ای دارند و از دیگر سوی، افعال ناقصه، بر دسته دیگری از افعال، مانند افعال ربطی در فارسی، بر معنای «بود- شد- گردید و مانند آنها» بر مفهوم اثبات و نفی دلالت می‌کنند و بیانگر وقوع فعل و یا پذیرش حالت نیستند. از آنجاییکه برخی از افعال ناقصه مانند «کان- صار- أصبح- امسى- اضحى- ظلّ و بات» بطور عمده به معنای «بودن و شدن» دلالت دارند، می‌توان در زبان عربی برخی از افعال ناقصه را ذیل ساخت‌ها و افعال ایستا محسوب نمود. در زمینه کاربرد معنایی فعل ناقصه «آیس» نیز باید گفت که «آیس» تنها فعل ناقصه‌ای است که همیشه در معنای منفی بکار می‌رود و فقط جهت نفی جمله اسمیه در زمان حال می‌باشد. نکته مهم در خصوص معنای مشترک افعال ناقصه این است که معنای غالب آنها اثبات و نفی است که در ادامه به بیان معنی هر کدام به تفصیل پرداخته خواهد شد (فقهی زاده، ۱۳۹۷: ۲۴۶-۲۴۰).

فعل ناقصه «کان» در مفهوم «بود و گاهی شد» بکار می‌رود، مانند جمله «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ: شما بهترین امت شدید» و فعل «صار» همواره معنی «شد و گردید» را می‌دهد. افعال «أَصْبَحَ، اضحى و امسى در مفهوم هنگام صبح، ظهر و غروب بودن» و معنی دیگر این افعال «شدن و گردیدن بدون ذکر زمان» است مانند «اصبح / اضحى / امسى الجو بارداً: هوا سرد شد». دو فعل ناقصه «بات و ظلّ» در همان مفهوم «بودن» بکار می‌روند، با این تفاوت که «بات» بمعنی «بودن در هنگام شب» و «ظلّ» در مفهوم «بودن هنگام روز» است، ولی در مفهوم «شدن و گردیدن» تفاوتی بین آنها دیده نمی‌شود و هنگام شب و روز مطرح نیست: مانند «ظلّ وجهه مسوداً» یعنی چهره‌اش سیاه شد و نمی‌گوییم که در شب یا روز این اتفاق افتاده است.

۳-۱-۵- افعال حسی و حالتی

با توجه به اینکه افعال ایستا بیانگر حالات و عواطف افراد و همچنین شامل حواس غیر ارادی نیز می‌باشند، می‌توان افعال حسی و حالتی را ذیل افعال ایستا قرار داد. این افعال در زبان عربی شامل:

«سَمِعَ: شنیدن، رأى: دیدن، شَعَرَ: احساس کرد، إعتَلَّ و مَرَضَ: بیمار شد، حَيٌّ: زنده شد، مات: مرد، جُنَّ: دیوانه شد» می‌باشند.

سَمِعْتُ صَوْتًا يُنَادِينِي! صدایی را شنیدم که مرا صدا می‌زد.

مَنْ سَعَى رَعَى، وَمَنْ لَزِمَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ. (مَثَل) هر که روَد چَرَد و هر که خُسبَد خواب بیند.

۶-۱-۳- افعال رجا

دسته دیگر افعال ایستا که بر مفهوم امید داشتن دلالت می‌کنند، افعال رجا نامیده می‌شوند و ذیل افعال مقاربه قرار می‌گیرند. افعالی مانند «عَسَى، حَرَى، إِخْلَوَقَ» نمونه‌هایی از افعال رجا هستند و در معنی «امید است»، بکار می‌روند که در این میان، «عَسَى» بیش از بقیه کاربرد دارد و امروزه دو فعل «حَرَى و إِخْلَوَقَ» کاربرد اندکی در زبان عربی دارند (کشفی، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

عَسَى الْمُسَافِرُ أَنْ يَعُودَ. امید است که مسافر بازگردد.

۷-۱-۳- افعال آرزو

افعال «تَمَنَّى و أَمَلَ» در مفهوم آرزو داشتن بکار می‌روند و در طبقه افعال ایستا واقع شده‌اند. تمنی به معنای آرزو کردن است و رسیدن به مورد آرزو، گاه محال و گاه دشوار است. محال بودن یا دشواری دست یابی به مورد آرزو، یا از ناحیه عقل است؛ مانند اینکه فردی آرزو کند، خدا باشد و یا به جهت فراهم نبودن اسباب و علل تحقق آن است؛ مانند کسی که می‌خواهد قهرمان دو شود، اما پا ندارد. تمنی عبارت از خواستنِ مطلوبی است که به دست آوردن آن دشوار یا محال است و این در حالی است که هرگاه امید دست‌یابی به امری محبوب وجود داشته باشد، آن را ترجیحی نامند (حسینی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۷).

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره، ۹۴)

بگو: اگر [آن گونه که می‌پندارید] سرای آخرت [با همه نعمت هایش] نزد خدا ویژه شماست نه

مردم دیگر، پس چنانچه راستگویید مرگ را آرزو کنید.

۸-۱-۳- افعال تعجب

دسته دیگر افعال ایستا، افعال تعجب هستند که نشان دهنده تعجب و شگفتی گوینده از یک موضوع است به گونه‌ای که کاربرد آن متعجب بودن متکلم را نشان می‌دهد. برای نشان دادن تعجب دو ساختار «ماأفعل» و «أفعل ب» در زبان عربی وجود دارد، مانند: «ما أجملَ الرياض!» (این باغ‌ها چه زیبایی‌ها!) و «أجملَ بالرياض!» (این باغ‌ها چه زیبایی‌ها!) (کشفی، ۱۳۸۲: ۲۱۹). دو نکته مهم در ساخت فعل تعجب این است: ۱- فعلی که از آن مشتق می‌شود باید ثلاثی مجرد باشد. ۲- دلالت بر عیب و رنگ نکند. به خاطر داشته باشید که صیغه «أفعل ب» شبیه فعل امر است اما نباید آن را با فعل امر اشتباه گرفت. افعال تعجب در زمره افعال جامد برشمرده می‌شوند؛ از این رو، نمی‌توان گفت: «ما أكرمَ زيداً كرمًا كثيرًا!»؛ زیرا «أكرم» در اسلوب تعجب، جامد است و تنها صیغه ماضی آن به کار می‌رود و مضارع و امر ندارد (لاجوردی، ۱۳۸۸: ۲۳). در ادامه نمونه‌های بیشتری از این دسته افعال آورده شده است:

- ما أبرد الماء في الجبل! آب کوه چقدر سرد است!

- ما أفسى قلوب المتكبرين! چه سرسخت است قلب متکبران!

- ما ألام الرجل الذي يسعى وراء الدن! چه پست است انسانی که در پی پستی هاست!

۹-۱-۳- افعال مدح و ذم

افعال مدح و ذم را می‌توان در زمره گروه دیگری از ساخت‌های ایستا بشمار آورد. فعل مدح فعلی است که برای ستایش کسی یا چیزی یا رفتاری استفاده می‌شود و در مقابل فعل ذم برای نکوهش کاربرد دارد. برای نمونه می‌توان به دو جمله «نعم الصديقُ الكتاب» (کتاب چه دوست خوبی است) و «بئس الخلقُ الكذب» (دروغ‌گویی چه بد خلقی است) اشاره کرد که در این جملات «نعم» فعل مدح و «بئس» فعل ذم است. همانگونه که مشاهده می‌شود بعد از این افعال دو اسم مرفوع بکار می‌رود که اسم اول نقش فاعل را ایفا کرده و اسم دوم مخصوص به مدح و یا مخصوص به ذم نامیده می‌شود. بر اساس گفته فوق در این مثال‌ها «الصديقُ و الخلقُ» فاعل و «الكتاب» مخصوص به مدح و «الكذب» مخصوص به ذم بشمار می‌آیند (کشفی، ۱۳۸۲: ۲۱۴). به بیانی دیگر افعال مدح و ذم، افعال جامدی

هستند که برای مدح و ستایش یا ذمّ و نکوهش به کار می‌روند و بر صیغه ماضی جمود دارند؛ یعنی، مضارع و امر آن‌ها به کار نمی‌رود. افعال مدح و ذمّ عبارت‌اند از: «نعم، بئس، ساء، حَبَّذا و لا حَبَّذا» که از میان آن‌ها «نعم و حَبَّذا فعل مدح و «بئس، ساء و لا حَبَّذا» فعل ذمّ هستند (لاجوردی، ۱۳۸۸: ۲۵۶). «نعم الرجلُ علیُّ: علی چه بسیار مرد خوبی است» و «ساءَ قاضیَ أحمکام الظلمِ سعید: سعید چه بسیار قاضی بدی است نسبت به احکام ظلم» مثال‌هایی از این ساخت‌ها هستند. نکته قابل توجه این است که چون این افعال به بیان حالت و ویژگی دلالت دارند، جزء ساخت‌های ایستا محسوب می‌شوند.



۳-۲. نمونه‌های قرآنی ساخت‌های ایستا مبتنی بر دستور نقش و ارجاع

پس از تبیین انواع ساخت‌های ایستا در زبان عربی بر اساس دستور نقش و ارجاع، در ادامه برای انواع این ساخت‌ها نمونه‌هایی از پیکره قرآن کریم با هدف نمایاندن نکات دقیق ادبیات این کلام وحی آورده شده است.

۱-۲-۳- ساخت‌های اسنادی در قرآن

بیان این نکته ضروری است که با توجه به ویژگی‌های زبان عربی که جملات اسنادی، فاقد افعال ربطی آشکار می‌باشند و بخش عمده‌ای از جملات ایستا نیز افعال ربطی می‌باشند، در ادامه به نمونه‌هایی از اینگونه ساخت‌های ایستا، اشاره شده است:

وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (جمعه، ۳)

و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیر عرب] که هنوز به آنان نپیوسته‌اند [برانگیخت]. و

او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (حجرات، ۱)

ای اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی مگیرید و از

خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حدید، ۲)

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و او بر هر

کاری تواناست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا

أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات، ۱۲)

ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است

و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس مکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ یک از شما آیا

دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته از آن کراهت و نفرت دارید و از خدا پروا

کنید، که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (ابراهیم، ۸)

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زبانی

نمی‌رسد؛ چرا که) خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است!

۲-۳- ساخت‌های ملکی در قرآن

یکی از دیگر انواع ساخت‌های ایستا در عربی، ساخت‌های ملکی هستند، در ادبیات عرب ساخت‌های حاکی از مالکیت و صیغگان فعل «داشتن و دارا بودن» ساخت‌های خاص خود را دارند و فاقد فعل آشکار می‌باشند که شواهد قرآنی زیر از این دسته هستند:

إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (حجرات، ۳)

آنان که نزد رسول خدا به صدای آرام و آهسته سخن گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده. آنها بند که آمزش و اجر عظیم دارند.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (جمعه، ۴)

این بعثت فضل خداست که آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند، و او خواسته است که آن را به محمد ارزانی دارد، و خدا دارای تفضلی بزرگ است.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)

هر که روی زمین است، فنا پذیرد و (تنها) ذات پروردگارت که دارای شکوه و اکرام است، باقی می‌ماند.

۳-۲-۳- افعال قلوب در قرآن

افعال قلوب در قرآن بشکل دو گروه افعال یقین و رجحان بعنوان افعال ایستا، مشاهده می‌شوند. در ادامه به شواهدی از آیات قرآن در این باره کوشش شده است. در آیه ۱۰۹ سوره انبیا فعل «أدري» یکی از افعال یقین است. در این آیه «إِنَّ» نافی است و «إِن أدري» یعنی «نمی دانم». بنابراین آیه به این معنا است که نمی‌دانم آیا نزدیک است یا دور است آنچه که به شما وعده داده شده است (لاجوردی، ۱۳۸۸: ۵۶).

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِن أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ (انبیا، ۱۰۹)

و چنانچه کافران (از حق) رو گردانیدند به آنان بگو: من (بر حسب وظیفه رسالت) شما را یکسان آگاه کردم و دیگر نمی‌دانم که آن وعده روز سخت قیامت که به شما دادند دور یا نزدیک خواهد بود.

در ادامه نمونه‌هایی از افعال رجحان در قرآن آورده شده است:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران، ۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد

پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا

يَظُنُّونَ (جاثیه، ۲۴)

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می

میریم و [گروهی] زندگی می‌کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می‌کند و برای آنان در این امر، علمی

نیست، آنان فقط حدس و گمان می‌زنند.

۴-۲-۳- افعال ناقصه در قرآن

همانطور که در بخش ۳-۱-۴ بیان شد، افعال ربطی در شمار افعال ایستا بحساب می‌آیند و در آنجا نیز

به فهرستی از مهمترین این افعال اشاره شد.

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ

عَلِيمًا حَكِيمًا (نسا، ۱۷)

بی تردید خدا توبه آنهایی را می‌پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند و پس از آن به

زودی توبه می‌کنند، البته خدا آنها را می‌بخشد و خدا (به مصالح خلق) دانا و آگاه است.

در آیه فوق، جمله فعلیه از نوع ناقصه ملاحظه می‌شود؛ زیرا فعل «کان»، یکی از افعال ناقصه به شمار می‌رود.

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ عَافُوًّا رَحِيمًا (احزاب، ۲۴)

هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب

نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است.

لَا يَجِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا (احزاب، ۵۲)

[غیر از زن هایی که گفته شد] از این پس زنان دیگر برای تو حلال نیست، و [نیز] جایز نیست که آنان را به همسرانی دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی آنان تو را خوش آید، مگر کنیزی که مالکش شوی؛ و خدا نگهبان و مراقب همه چیز است.

۳-۲-۵- افعال حسی و حالتی در قرآن

با توجه به این که افعال ایستا بیانگر کنش خاصی نبوده و همچنین بیان کننده احساسات درونی عواطف و حالات فرد هستند (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۰)، بر این اساس می‌توان افعال حسی و حالتی را در زمره افعال ایستا بشمار آورد.

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدًّا مِنْ ذُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (یوسف، ۲۸)

پس همین که (عزیز مصر) پیراهن او را دید که از پشت پاره شده است، (حقیقت را دریافت و) گفت: بی‌شک این از حيله شما زنان است. البته حيله شما شگرف است.

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (آل عمران، ۱۷۰)

آنها بخاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند؛ و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت.

۳-۲-۶- افعال رجا در قرآن

خاستگاه مبحث تمنی و ترجی در واقع حوزه بلاغت در زبان عربی است که در این زیربخش و زیربخش بعدی به مثال‌های قرآنی این دو مقوله پرداخته می‌شود. اگر هدف گوینده بیان آرزویی ناممکن یا بعید باشد آن فعل تمنایی نامیده می‌شود و اگر هدف گوینده بیان اظهار امیدواری به وقوع فعلی ممکن و خوشایند و یا بیان ترس از وقوع فعلی نامطلوب و ممکن باشد به آن فعل ترجی گفته می‌شود. ترجی بمعنی امید داشتن به وقوع امری مطلوب و دلخواه است (رشیدی و روضاتیان، ۱۳۹۷: ۶-۱).

عسی ربنا أن يُبدلنا خيراً منها إنا إلى ربنا راغبون (قلم، ۳۲)

امید است پروردگاران بهتر از آن را به ما عوض دهد ما به پروردگاران روی آورده‌ایم.

قالوا أودينا من قبل أن تأتينا ومن بعد ما جئتنا قال عسی ربکم أن یهلک عدوکم ویستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون (اعراف، ۱۲۹)

گفتند: پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟) گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می‌کنید!

عسی ربکم أن یرحمکم وإن عدتکم وعدتنا وجعلنا جهنم للكافرين حصیراً (اسراء، ۸)

امید است که پروردگارتان بر شما رحم کند و اگر باز گردید (و دوباره فتنه کنید) ما نیز برمی‌گردیم و ما دوزخ را برای کافران، زندانی سخت قرار داده‌ایم.

۷-۲-۳- افعال آرزو در قرآن

همانطور که پیشتر اشاره شد، هنگامیکه هدف بیان آرزویی ناممکن و یا بعید باشد، از افعال تمنا یا آرزو بهره گرفته می‌شود. در سوره‌های جمعه و قصص شواهدی از این دسته افعال یافت شد.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (جمعه، ۶)

بگو: ای یهودیان، اگر تصور می‌کنید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، اگر راست می‌

گویید آرزوی مرگ کنید تا به دیدار خدا نایل شوید، چرا که دوست شیفته دیدار دوست خویش است.

وَأَصْحَابِ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنُ لِلَّهِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ آ

أَنَّ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآنَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (قصص، ۸۲)

و بامدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می‌گفتند: وای!

گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می‌گیرد،

اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود، وای گویی کافران رستگار نمی‌شوند.

۸-۲-۳- افعال تعجب در قرآن

با توجه به تعاریف و شواهد موجود از افعال ایستا در زبان‌های گوناگون و در قیاس با افعال "surprise, amaze,..." در زبان انگلیسی بعنوان افعال ایستا، می‌توان افعال تعجب را نیز ذیل افعال ایستا بشمار آورد. در ادامه نمونه‌هایی از آیات قرآنی آمده است. در از افعال تعجب به همراه توضیحات مربوطه بر اساس ترجمه تفسیر المیزان آورده شده است:

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ! (عبس، ۱۷)

خدا بکشد انسان را، چقدر کفران پیشه است!

در جلد بیستم ترجمه تفسیر المیزان آمده است که این جمله نفی است بر انسان که طبعش طبع دلدادن به شهوات و پیروی هوای نفس و فراموش کردن پروردگار خود و استکبار ورزیدن از پیروی اوامر او است. جمله (ما اکفراه!) شگفت انگیزی از اصرار انسان در کفران و پوشاندن حق صریح است، با اینکه او خودش می‌بیند و احساس می‌کند که مدبر خود نیست و کسی جز خدای سبحان مالک تدبیر امر او نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۳۶).

أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (بقره، ۱۷۵)

اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به عوض آمرزش خریده اند، شگفتا! چه

شکیبایند بر آتش!

۹-۲-۳- افعال مدح و ذم در قرآن

ساختار نحوی مدح و ذم در زبان عربی برای بیان مبالغه و تفخیم بکار می‌روند و افعالی مانند

«بئس و نعم» نمونه‌هایی از افعال مدح و ذم می‌باشند (قهرمانی و مطهر، ۱۳۹۷).

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

الْوَكِيلُ (آل عمران، ۱۷۳)

همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.

وَمَنْ يُؤْمِدْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَعَدَّ بَاءً بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَءَاهُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ (انفال، ۱۶)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند- مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) باشد، (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است.

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (بقره، ۹۰)

چه بد است آنچه که خویشان را به آن بفروختند که از روی حسد، به آیاتی که خدا فرستاده بود کافر شدند (و گفتند): که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد، (آیاتش را) نازل می‌کند. پس به قهر پی در پی الهی گرفتار شدند و برای کافران، مجازاتی خوار کننده است.

و لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ (مائده، ۶۶)

و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی از آنان میانه‌رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می‌دهند بد است.

پس از ارائه نمونه‌هایی از ساخت‌های ایستا در آیات قرآن کریم، در ادامه جهت پاسخ به پرسش دوم پژوهش، به تشریح چگونگی تشخیص این ساخت‌ها بر اساس آزمون‌های نحوی- معنایی پرداخته شده است.

۳-۳- تبیین عملکرد آزمون‌های نحوی - معنایی تشخیصی ساخت‌های ایستا در زبان عربی با ارائه برخی نمونه‌های قرآنی مطابق دستور نقش و ارجاع

همانطور که پیشتر گفته شد، وندلر به طبقه‌بندی چهارگانه افعال در دستور نقش و ارجاع پرداخت. پس از وندلر، دیوید دوتی طبقه‌کنشی پایا را به طبقه‌بندی وندلر اضافه نمود. دوتی مجموعه‌ای از آزمون‌های معنایی و نحوی را برای تعریف این طبقات در زبان انگلیسی ارائه داد. با وجود اینکه این آزمون‌ها به دنبال ویژگی‌های نمودی جهانی افعال هستند، هر زبانی نیاز به آزمون‌هایی دارد که مبتنی بر ویژگی‌های خاص آن زبان باشند. به بیانی دیگر این آزمون‌ها عالی و بی‌نقص نیستند، اما در مجموع تحلیل‌گران را قادر به تشخیص انواع طبقات فعلی می‌کنند، البته میزان کارآمدی همه آزمون‌های مطرح شده در این دستور بطور یکسان نبوده و ضروری است که پژوهشگران این آزمون‌ها را با زبان مورد بررسی مطابقت دهند (ون ولین، ۲۰۰۵: ۴۰). از مشهورترین آزمون‌های موجود برای تشخیص طبقه افعال می‌توان به آزمون‌های ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و ون ولین (۲۰۰۱) اشاره کرد که در ادامه از آنها برای تشخیص افعال ایستا در زبان عربی به همراه برخی مثال‌های موجود در قرآن، بهره گرفته شده است.

۳-۳-۱- کاربرد نشانه استمراری

اولین آزمون تشخیصی دسته‌بندی افعال در این نظریه کاربرد نشانه استمراری است که با کمک آن، افعال ایستا و گذرا، از دسته افعال تداومی و کنشی متمایز می‌شوند. مطابق آزمون اول، افعال مورد نظر در این تحقیق نمی‌توانند بشکل استمراری بکار روند، اما در ادامه با ارائه نمونه‌هایی از زبان عربی شاهد استفاده ساخت ماضی استمراری بصورت (کان+ فعل مضارع)، در افعال ایستا در زبان عربی می‌باشیم. در نتیجه بر این اساس می‌توان گفت که این آزمون در شناخت افعال ایستا در این زبان ناکارآمد است.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند.

جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (سجده، ۲۴)

و از میان آنان گروهی را چون در امر دین شکیبایی ورزیدند و پیش از آن به آیات ما یقین داشتند، به امامت و رهبری گماردیم تا مردم را به فرمان ما به سرمنزل هدایت برسانند.

۲-۳-۳- کاربرد قیود شدت کنشی مانند «به شدت و با جدیت»

دومین آزمون ون ولین و لاپولا، بیانگر کاربرد قیدهای شدت مانند «به شدت و با جدیت» با افعال کنشی و عدم استفاده از این قیود با افعال ایستا می‌باشد، پس این آزمون برای متمایز کردن افعال ایستا از افعال کنشی قابل استفاده است. با بررسی این آزمون بر روی افعال ایستای عربی، نتایج کسب شده عدم همراهی قیود شدت را با افعال ایستا تایید کردند و شواهد بنفع کارآمدی آزمون دوم بود. در ادامه کاربرد برخی از افعال کنشی همچون «خُذُوا» در قرآن کریم به‌مراه قیودی مانند «بِقُوَّةٍ» مؤید همین مطلب است.

وَإِذْ تَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (اعراف، ۱۷۱)

و هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آید؛ (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم): آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده‌ایم، با قوت و جدیت بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید)، تا پرهیزگار شوید!

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره، ۶۳)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم): «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ شاید پرهیزکار شوید!

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (مریم، ۱۲)

ای یحیی کتاب [خدا] را با قدرت بگیر و از کودکی به او نبوت دادیم.

۳-۳-۳- کاربرد قیود سرعت مانند «به سرعت و آهسته»

قیدهای سرعت مانند «آهسته و به سرعت» با افعال کنشی بکار می‌روند. این آزمون می‌تواند موجب تمییز افعال ایستا و لحظه‌ای از افعال تداومی و کنشی شود. بموجب این آزمون، افعال ایستا و لحظه‌ای به همراه قیود سرعت کاربرد ندارند. در ادامه به نمونه‌هایی از کاربرد قیود سرعت با افعال کنشی در زبان عربی توجه کنید:

هیا ساعدینی، بسرعة بسرعة بیا کمک کن. سریع، سریع

قام الشاب بهدوء مرد جوان به آرامی برخاست

بدأ الشاب بغسل یدی والدیه ببطء مرد جوان به آرامی شروع به شستن دست والدینش کرد

۳-۳-۴- همراهی با قید «برای یک ساعت یا بمدت یک ساعت»

چهارمین آزمون در دستور نقش و ارجاع به کاربرد عبارت قیدی «برای یک ساعت» اشاره دارد. از آنجاییکه این قید با افعالی استفاده می‌شود که نمود پایانی نداشته ولی وقوع آنها به یک مدت زمان خاصی نیاز دارند، آزمون چهارم جهت تشخیص افعال ایستا کارآیی لازم را دارد. شواهد زبان عربی نیز کارآمدی لازم آزمون یادشده را بهمراه افعال ایستا تایید می‌کنند. همانگونه که مشاهده می‌شود جملاتی مانند «كنتُ فی الجَامعةِ ساعةً واحدةً» بمعنی من یک ساعت در دانشگاه بودم، مورد پذیرش کاربران زبان عربی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۵- همراهی با عبارت قیدی زمان «در یک ساعت»

پنجمین آزمون تشخیصی طبقه‌بندی افعال، به کاربرد عبارت قیدی زمان «در یک ساعت» اشاره دارد که با افعال ایستا استفاده نمی‌شود. پس از بررسی شواهد در زبان عربی، نتایج بیانگر کارآیی آزمون نام برده در عربی است. بدین مفهوم که در این زبان هم مانند فارسی و انگلیسی، عبارت قیدی زمان «در یک ساعت» با افعال ایستا همراه نمی‌شود. برای مثال گویشوران عربی، جمله‌ای مانند جمله زیر را استفاده نمی‌کنند.

* وَجَدْتُ الْعِلْمَ نَافِعًا فِي سَاعَتَيْنِ بِمَعْنَى *عَلِمَ رَا دو ساعت سودمند یافتم.

نتیجه

تحلیل ساخت‌های متنوع زبانی همواره یکی از اهداف نظریه‌های زبان‌شناسی بوده است که بر این اساس، نظریه‌پردازان به دسته‌بندی‌های گوناگونی در این حوزه دست یافته‌اند. یکی از رویکردهایی که انواع طبقات فعلی را بررسی نموده، دستور نقش و ارجاع است. پژوهش حاضر بر مبنای این نظریه به طبقه‌بندی‌های مختلف افعال پرداخته و پس از آن با تمرکز بر ویژگی‌های ساخت‌های ایستا، انواع مختلفی از اینگونه ساخت‌ها را در زبان عربی تشریح نموده‌اند. افزون بر آن، در این تحقیق کاربرد مثال‌های قرآنی با هدف بیان ظرایف ادبی این کتاب آسمانی بکار رفته است. در پاسخ به پرسش اول تحقیق باید گفت که ساخت‌های ایستا در این زبان مشتمل بر ۹ دسته ساخت‌های اسنادی، ملکی، افعال ناقصه، افعال حسی و حالتی، افعال رجا و آرزو، افعال تعجب و افعال مدح و ذم می‌باشند. در مقاله حاضر این ۹ دسته‌بندی مزبور در بخش ۳-۱ و نمونه‌های قرآنی ساخت‌های مذکور (ساخت‌های ایستا) در بخش ۳-۲، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پاسخ به پرسش دوم پژوهش از آزمون‌های تشخیصی طبقه‌بندی افعال طراحی شده توسط ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) به عنوان ابزار تشخیصی استفاده شده است. پنج معیار مطرح شده در آزمون‌های این پژوهش عبارتند از: کاربرد نشانه استمراری، کاربرد قیود شدت کنشی مانند «به شدت و با جدیت»، کاربرد قیود سرعت مانند «به سرعت و آهسته»، همراهی با عبارت قیدی «برای یک ساعت یا بمدت یک ساعت» و همراهی با قید زمان «در یک ساعت». داده‌های تحقیق حاضر نشانگر این مهم بودند که چهار آزمون از پنج آزمون مطرح در این دستور، کارآمدی لازم را در زبان عربی داشتند و تنها آزمون اول یعنی آزمون ساخت استمراری در خصوص افعال ایستای عربی کارایی لازم را نداشت و برخلاف انتظار، افعال ایستا بشکل استمراری بکار می‌رفتند که شواهدی حاکی از این موضوع نیز از قرآن در تأیید این مهم آورده شده است.

منابع

۱. حسینی‌نیا، سید محمد (۱۳۹۶)، علوم بلاغی، ساختارهای نحوی در آیات و روایات، دانشگاه قرآن و حدیث.
۲. رشیدی، مریم و روضاتیان، سیده مریم (۱۳۹۷)، «کارکرد فعل خواستن در انتقال مفهوم تمنی و ترجی»، پژوهش‌های ادبی. سال ۱۵، شماره ۶۰، صص ۶۹-۹۱.
۳. رضایی، والی (۱۳۹۱)، «بررسی نحوی و معنایی فعل‌های ایستا در زبان فارسی»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. سال چهارم، شماره ۷، صص ۲۳-۳۸.
۴. _____ و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۳)، «تبیین دستوری نمایه سازی مفعول در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۱، صص ۱-۱۸.
۵. _____ و ترابی، مریم (۱۳۹۶)، «انضمام مفعول و ارتباط آن با نوع عمل در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۴، پیاپی ۸، صص ۷۹-۵۷.
۶. _____ و عظیم دخت، زلیخا (۱۳۹۶)، «بررسی محمول‌های مکانی در زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع»، زبان‌پژوهی، شماره ۹، پیاپی ۲۲، صص ۱۲۵-۱۰۷.
۷. شیخ سنگ‌تجن، شهین، و مشهدی‌نژاد، راضیه (۱۳۹۴)، «بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع»، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
۸. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲)، «نیاز به تفسیر ذاتی یا عرضی»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۴، صص ۱۸۰-۱۷۱.
۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۷)، ترجمه‌ای روان از قرآن کریم، چاپ پنجم، قم: بخشایش.
۱۰. طالبی‌انوری، علی، میردهقان‌فراشاه، مهین‌ناز، عبدالکریمی، سپیده، درزی، قاسم (۱۳۹۸). «بررسی استعاره‌های شیئی در جزء‌های بیست و شش تا سی‌ام قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۸، شماره ۲، صص: ۱-۲۰.
۱۱. طالبی‌انوری، علی، میردهقان‌فراشاه، مهین‌ناز، عبدالکریمی، سپیده، درزی، قاسم (۱۳۹۷). «تبیین شناختی بر استعاره‌های شباهت‌بنیاد در یازده جزء پایانی قرآن‌مجید»، زبان‌شناخت، نسخه ۹، صص: ۴۷-۷۳.

۱۲. فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۷)، نحو کاربردی ۱. انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث.
۱۳. قاسم‌پور، محسن و حیدری، اکرم (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی روش تفسیر روایی، در دو تفسیر طبری و ابن کثیر»، تفسیر و زبان قرآن، شماره هشتم، صص ۶۶-۴۷.
۱۴. قهرمانی، علی و مطهر محمدطاهر (۱۳۹۷)، «ارزیابی معانی اسلوب تعجب در قرآن با ترجمه فارسی زبانان با رویکرد نحوی-تفسیری»، سومین کنفرانس بین‌المللی دستاورهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی: کرج.
۱۵. کشفی، عبدالرسول (۱۳۸۲)، دستور کاربردی زبان عربی (آموزش نحو)، قم: کتاب‌طه.
۱۶. لاجوردی، سید عدنان (۱۳۸۸)، نحو عربی ۲، دانشکده مجازی علوم و حدیث.
۱۷. معزی پور، فرهاد (۱۳۹۷)، «را نشانه مبتدای ثانویه؟»، نامه فرهنگستان، شماره ۱۴، صص ۱۲۸-۷۵.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۲۰، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
19. Boutin, M. E. (2004). *Locative Predicates in Bonggi*. < <http://linguistics.Buffalo.edu/people/faculty/VanValin/rry-html>.>
20. Dowty, D. (1979). *Word Meaning and Montague Grammar*. Dordrecht: Reidel.
21. Foley, W. and R. D. VanValin, (1984). *Functional Syntax and Universal Grammar*. CUP.
22. Lambrecht, K. (1994). *Information structure and sentence form*. Cambridge: Cambridge University press.
23. Van Valin, R. D. (1993). *Advances in role and reference grammar*. Amsterdam and Philadelphia, John Benjamin.
24. Van Valin, R. D. (2001). *An introduction to Syntax*. Cambridge: Cambridge University.
25. Van Valin, R. D. (2005). *Exploring the syntax-semantics interface*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Van Valin, R. D. and R. J. LaPolla, (1997). *Syntax, structure, meaning and function*. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Vendler, Z. (1967). *Linguistics in Philosophy*. Ithaca: Cornell University Press.

Analyzing Arabic Static Structures Based on Role and Reference Grammar and Using Evidence from the Holy Qur'an¹

Imaneh Sayyad²

Mahinnaz Mirdehghan Farashah³

Abolfazl Rezaei⁴

Abstract

Role and Reference Grammar (RRG) is a functional-structural theory in which syntactic structures are combined with semantic structures but the core part is the semantic structure. This paper aimed to analyze and describe different types of static structures in Arabic within the RRG and by using examples from the Holy Qur'an. Therefore, the data of this descriptive-analytic study was gathered from native speakers of Arabic and the text of the Holy Qur'an. First, different types of static structures in Arabic were explained using the evidence of the ayahs of the Holy Qur'an. Then, employing the means available in this grammar, that is, Van Valin and Lapolla's (1997) verb classification tests, static structures were determined. The results demonstrated that static structures in Arabic are divided into the following nine categories: attributives, possessives, defective verbs, emotive verbs, modal verbs, verbs to express wishes and hopes, exclamatory verbs, and verbs for praise or dispraise. Furthermore, it was found that out of the five tests in RRG, four have the required efficiency for identifying static structures. In other words, except for the test of progressive structure, other four tests including the application of adverbs related to the force of the action, application of adverbs having to do with speed, accompanying the adverb, e.g. for an hour, and accompanying the adverbs of time are efficient in Arabic.

Keywords: Role and Reference Grammar (RRG), static verbs, static structures in the Qur'an, diagnostic tests of static structures in Arabic

1. Date Received: May 1, 2021, Date Accepted: August 26, 2021

2. PhD Student of Linguistics, Shahid Beheshti University; Email: i_sayad@yahoo.com

3. Corresponding author: Associate Professor, Department of Linguistics, Shahid Beheshti University; Email: m_mirdehghan@sbu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University; Email: a_rezayi@sbu.ac.ir